

از این آیه مبارکه:

﴿فَإِذَا أَقَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَادُّكُّوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الضَّالِّينَ ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [بقره: ۱۹۸]

ترجمه: و هنگامی که از عرفات (به سوی مزدلفه) روان شدید، الله سبحانه و تعالی را (با تهلیل و تکبیر و تلبیه) در نزد مشعرالحرام یاد کنید و همان گونه که شما را رهنمون کرده است، الله (سبحانه و تعالی) را یاد کنید (با تضرع و زاری و بیم و امید و این که گوئی / او را می بینید به ذکرش بپردازید) اگرچه پیش از آن جزو گمراهان بوده باشید. سوالی در نزدم خلق شده است؛ زیرا از آیه اول ﴿فَإِذَا أَقَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَادُّكُّوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ﴾ و هنگامی که از عرفات (به سوی مزدلفه) روان شدید، الله سبحانه و تعالی را (با تهلیل و تکبیر و تلبیه) در نزد مشعرالحرام یاد کنید.

طوری فهمیده می شود که حجاج در عرفات وقوف کنند؛ اما آیه بعدی طوری دلالت دارد که حجاج باید در مزدلفه نیز وقوف کنند، پس از این دو آیه طوری برداشت می شود که گویا باید دو وقوف صورت گیرد، یک وقوف در عرفات و وقوف دوم در مزدلفه با وجودی معلوم است که وقوف در عرفات لازم بوده و از عرفات به مزدلفه نزول صورت می گیرد. امیدوارم که این مطلب توضیح داده شود! الله سبحانه و تعالی شما را جزای خیر نصیب فرماید.

پاسخ

برادر محترم در حج یک وقوف است، همان وقوف در عرفات و سپس به مزدلفه نزول صورت می گیرد. برای روشن شدن این موضوع معنی این دو آیه کریمه را برای شما واضح خواهم می ساخت: ﴿فَإِذَا أَقَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ﴾ و هنگامی که از عرفات (به سوی مزدلفه) روان شدید. و این از باب سیلان آب است یعنی مانند آن که آب در مسیر خود سیلان می کند؛ همان طور حجاج از عرفات به مزدلفه می آیند. "عرفات" در این آیه صیغه جمع نیست؛ بلکه اسم مکان معروفی است از اماکن حج یعنی عرفات اجزای مختلفی ندارد؛ بل یک مکانی است که به نام عرفات یاد می شود. یعنی "عرفة" و "عرفات" یک معنی دارد، "تاء" در کلمه عرفات "تاء" تأنیث نمی باشد به همین دلیل از لحاظ ادبی قبول اعراب نموده و غیر منصرف نشده است. ﴿وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الضَّالِّينَ﴾ یعنی اگرچه شما قبل از آوردن هدایت از جانب رسول الله صلی الله علیه وسلم و بیان احکام حج و غیر آن در گمراهی بودید. ﴿الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ﴾ مشعرالحرام مزدلفه است؛ چنانچه ابن عمر رضی الله عنه روایت نموده است که مشعرالحرام به مزدلفه اطلاق می شود. ﴿ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ یعنی باید وقوف شما ای اهل مکه مانند دیگر مردم باشد، بدین معنی که در عرفات وقوف کنید، سپس از عرفات به مزدلفه نزول کنید. این آیه مبارک عادت قریش را در زمان جاهلیت باطل نموده است؛ چون که در آن زمان قریش در مزدلفه وقوف می نمودند؛ نه در عرفات از این لحاظ مزدلفه از اماکن حرم است؛ ولی عرفات از اماکن حل و می گفتند که ما ساکنین و پاسداران بیت الله الحرام هستیم و از منطقه حرم بیرون نمی شویم، هم چنان این منطقه را "حمس" یاد می کردند. از اینرو الله سبحانه و تعالی در این آیه مبارک قریش را امر کرد که مانند دیگر مردم در عرفات وقوف کنند و از خطاهای که انجام داده اند، استغفار کنند. الله سبحانه و تعالی برای بندگان مخلص خود بخشاینده و مهربان است.

بخاری و مسلم که لفظ حدیث از بخاری است از هشام ابن عروه از پدرش که وی از عائشه رضی الله عنها روایت نموده است:

«كَانَتْ قُرَيْشٌ وَمَنْ دَانَ دِينَهَا يَقِفُونَ بِالْمَزْدَلِفَةِ، وَكَانُوا يُسَمُّونَ الْحُمْسَ، وَكَانَ سَائِرُ الْعَرَبِ يَقِفُونَ بِعَرَافَاتٍ، فَلَمَّا جَاءَ الْإِسْلَامَ أَمَرَ اللَّهُ نَبِيَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ يَأْتِيَ عَرَافَاتٍ، ثُمَّ يَقِفَ بِهَا، ثُمَّ يُفِيضُ مِنْهَا» فَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: ﴿ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ﴾

ترجمه: قریش و هم‌کیشان‌شان در مزدلفه وقوف می‌کردند و آن را بنام "حمس" یاد می‌کردند و دیگر اعراب در عرفات وقوف می‌کردند و وقتی که اسلام آمد، الله سبحانه و تعالی رسول الله صلی الله علیه وسلم را امر نمود که قریش نیز در عرفات وقوف کنند، سپس از عرفات به مزدلفه بروند و همین معنی قول الله سبحانه و تعالی است: یعنی نزول کنید از جایی که مردم نزول می‌کنند.

بناء (ثُمَّ) عطف بر آخر آیه سابقه است:

﴿وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونِ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ﴾ [بقره: ۱۹۷]

ترجمه: و توشه بگیرید (هم برای سفر حج و هم برای سرای دیگران و بدانید) که بهترین توشه پرهیزگاری است و ای خردمندان! از (خشم و کيفر) من بپرهیزید.

یعنی در آیه مبارکه از لحاظ معنی تقدیم و تأخیر است، بناء ترتیب معنی به صورت ذیل است: یعنی برای خودتان اعمال خیر جمع کنید؛ زیرا بهترین توشه تقوا و اعمال خیر است و از من تقوا کنید ای صاحبان عقل سپس وقوف کنید از جای که مردم وقوف می‌کنند، یعنی در عرفات وقوف کنید و بعداً از عرفات به مزدلفه بروید؛ چنانچه قریش این عمل را در زمان جاهلیت انجام می‌دادند وقتی به عرفات وقوف کردید و امر الله سبحانه و تعالی را انجام دادید به طرف مزدلفه بروید و الله سبحانه و تعالی را در مزدلفه یاد کنید، الله سبحانه و تعالی را به خاطری این هدایت حمد بگوید؛ چون قبلاً شما گمراه بودید و راه هدایت را نمی‌شناختید.

چنان به نظر می‌رسد نکته که سبب این سوال گردیده است و چنانچه سوال کننده فکر می‌کند که کلمه "ثم" در این آیه حرف عطف است که "تراخی" یعنی وسعت و فراخی را افاده می‌کند که در این صورت معنی آیه اول را این‌گونه فکر می‌کند:

﴿فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَافَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ﴾

ترجمه: یعنی شما وقتی در عرفات وقوف کردید به مزدلفه پایان شوید.

پس حاجی باید از عرفات به مزدلفه بیاید و از آیه دوم طوری برداشت می‌کند که آیه: ﴿ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ﴾ با در نظر داشت معنی "ثم" به این معنی است که وقتی به مزدلفه رسیدید بعد از نماز صبح از "مزدلفه" به "منا" بروید، از چنین تعبیری این سوال پیدا شده است در حالی که به دو وجه چنین نیست:

وجه اول: روایتی است که بخاری و مسلم در مورد نزول این آیه مبارکه نموده است: ﴿ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ﴾ یعنی به عرفات باید توقف کنید؛ نه در مزدلفه و الله سبحانه و تعالی برای تمام حجاج به شمول قریش فرض نموده تا به عرفات وقوف کنند.

وجه دوم: این است که "ثُمَّ" معنی تراخی یعنی فراخی و وسعت را می‌رساند و مسئله که بعد از "ثُمَّ" ذکر شده باید بعد از موضوع و قبل از "ثُمَّ" باشد؛ اما این معنی دائمی آن نیست؛ بلکه گاهی اوقات کلمه "ثُمَّ" برخلاف این معنی نیز استفاده می‌شود، چون یکی از موارد استعمال آن این است که مسئله ما بعد "ثُمَّ" در معنی قبل از ماقبل "ثُمَّ" است؛ اما این مسئله نیاز به قرینه دارد و همچنان نیاز به نکته دارد که ایجاب چنین مسئله را داشته باشد.

چنانچه عرب‌ها می‌گویند: "أعجبنی ما صنعت الیوم ثم ما صنعت أمس أعجب" یعنی چیزی که دیروز انجام دادم جالب‌تر از چیزی است که امروز انجام دادم که در این صورت علماء زبان می‌گویند عطف لاحق بر سابق است و بدون این که مسئله اولیت در نظر گرفته شود؛ مگر معنی مشهور این است که مسئله متذکره بعد از کلمه "ثُمَّ" از لحاظ وقوع باید بعد از مسئله متذکره قبل از "ثُمَّ" باشد. بناء استعمال کلمه "ثُمَّ" به قرینه نیاز دارد تا وجه دوم را ثابت سازد و هدف از استعمال "ثُمَّ" به این شکل تبارز دادن مسئله خاصی است؛ زیرا تفاوت استعمال در زبان عربی فصیح حتماً روی یک هدف است نه بدون هدف.

با دقت نمودن زبان عربی سابق در می‌یابیم که همین استعمال کلمه "امس" بعد از "ثُمَّ" و استعمال "یوم" قبل از "ثُمَّ" معنی تقدیم و تأخیر را می‌رساند؛ اما هدف از این تقدیم و تأخیر ظاهر نمودن مطلبی است که گویا طوری گفته شده که آنچه دیروز انجام می‌دادند از امروز شان بهتر است؛ اما در حقیقت چنین نیست. پس در آیه مبارکه قرینه تقدیم و تأخیر از لحاظ معنی سبب نزول آیه طبق روایت بخاری و مسلم است. اما هدف از تقدیم و تأخیر ابراز مسئله است و این آیه مبارکه عادت قریش را به بطلان کشیده و برای قریش بیان کرد که باید مثل سائر حجاج در عرفات وقوف کنند نه در مزدلفه.

امیدوارم که مسئله واضح و فهمیده شده باشد که وقوف تنها همان وقوف در عرفات است و آیه متأخر ﴿ثُمَّ أَفِيضُوا...﴾ در معنی از آیه ﴿فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ...﴾ مقدم است و این تقدیم و تأخیر در زبان عربی به خاطری یک هدف است و هدف در این جا از بین بردن عادت جاهلیت است که این عادت قریش را از دیگر مردم جدا می‌کرد.

برادران عطاء ابن خلیل ابوالرشته

مترجم: مصطفی اسلام